http://dorl.net/dor/20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۳۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸
صفحه ۱۸-۱
نوع مقاله: پژوهشی

زیبایی‌شناسی نقوش ذهنی خورجین‌های عشایری منطقه‌ی بختیاری*

اردشیر بروجنی
دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان، ایران
علی‌رضا خواجه‌احمد عطاری (نویسنده‌ی مسئول)
استادیار گروه صنایع دستی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران
a.attari@aui.ac.ir
محمدتقی آشوری
استاد دانشگاه هنر تهران، ایران
محمدرضا حافظ‌نیا
استاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان ۱۳۹۹
۱

چکیده

زیبایی‌شناسی فرش دست‌باف ایرانی بر گرفته از باور و درک زیباشناختی انسان ایرانی از نظام هستی است. در مجموعه‌ی دست‌بافته‌های کوچک عشایر بختیاری، خورجین‌ها از نظر الیاف، کاربرد و نقوش یک نمونه‌ی با ارزش محسوب می‌شوند. نقوش این‌گونه دست‌بافته‌ها ذهنی بوده و مبتنی بر باورها و اعتقادات عشایر با کمک گرفتن از طبیعت شکل گرفته‌اند. نقوش ذهنی خورجین‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری دارای ویژگی‌های خاص و ارزش‌های بصری بر مبنای استفاده و برداشت از طبیعت و زیبائی‌های آن، از حیث طرح و رنگ است و از آن‌جایی که تابع هیچ نقشه‌ی از قبل تهیه و سفارشی شده نیست، جایگاهی برتر به خود اختصاص داده‌اند. هدف این مقاله تبیین ویژگی‌ها و زیبایی‌های مستتر در نقوش ذهنی این‌گونه دست‌بافته‌ها است، که این ویژگی و زیبایی‌های نقوش، جزیی از ویژگی‌های کلی و زیبایی‌های مجموعه (پشت و روی دست‌بافته، الیاف دست‌بافته، شیرازه و اتصالات دیگر دست‌بافته) دست‌بافته عشایری است. سؤال اصلی مقاله این است که نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایری بازتاب چه ویژگی‌های تجسمی است و جایگاه طبیعت و زیبایی‌های آن از حیث طرح و رنگ و ترکیب‌بندی در خلق نقوش ذهنی خورجین‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری کجاست و چگونه نقوش ذهنی خورجین‌ها از طبیعت منطقه تأثیر گرفته و یا تجرید و انتزاع یافته‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش میدانی، مصاحبه و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند، تا بتوانند آن‌چه از ذهن بافنده‌ی عشایری با توجه به پیشینه‌ی قومی و طبیعت محیط زندگی‌اش نقش بر خورجین شده است؛ کشف و استخراج شود و سپس ثبت و دسته‌بندی شوند. در نتیجه‌ی این پژوهش، دست‌یابی به یک دسته‌بندی کامل از انواع نقوش گیاهی، حیوانی، هندسی و تصویری با توجه به ابعاد گسترده‌ی فرهنگ و آداب زندگی عشایر بختیاری حاصل شده است. همچنین درصد و میزان استفاده بافندگان عشایر منطقه از الیاف بومی و سنتی نسبت به الیاف کارخانه‌ای به دست آمده است و در ارتباط با میزان استفاده‌ی بافندگان عشایر بختیاری از رنگ‌های سنتی و گیاهی نسبت به رنگ‌های شیمیایی، این پژوهش نتایج قابل توجهی را به همراه داشته است.

واژه‌های کلیدی: دست‌بافته، عشایر بختیاری، نقوش ذهنی، خورجین بختیاری

*این مقاله مستخرج از رساله‌ی دکتر با عنوان «تبیین ارزش‌های بصری نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری» در دانشگاه هنر اصفهان با راهنمایی دکتر محمدتقی آشوری و دکتر علی‌رضا خواجه‌احمد عطاری و مشاوره‌ی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا است.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

Aesthetics of imaginary patterns in saddlebag by Bakhtiari nomads and other tribes who live in the same area

Ardeshir Borojni
PhD Student of art research, Isfahan Art University, Iran
Alireza Khajeh Ahmad Attari (author in charge)
Assistant Prof, Department of Handicrafts, Isfahan Art University, Iran
a.attari@aui.ac.ir
Mohammad Taghi Ashouri
Professor of Tehran Art University, Iran
Mohammad Reza Hafeznia
Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The aesthetics of the Iranian handmade carpet is based on the aesthetic belief and understanding of the Iranian man from the system of existence. In the collection of small handbags in the Bakhtiari nomads, the pillars are considered as valuable for fibers and applications. Patterns of these handcrafts are subjective and based on the beliefs and beliefs of tribes with the help of nature. These motifs of the tribes of the Bakhtiari tribes have specific features and visual values based on the use of nature and its beauty in terms of design and color. Since the function of no pre-prepared maps and not customized, the superior position to Have allocated themselves. The purpose of this article is to explain the features and beauties that are inherent in the motifs of these handcuffs. This feature and the motifs of beauty, part of the features and the beauty of the collection (hand-woven back, woven, woven, woven, and other woven) Nomad is. The main question of the article is that the motifs of the nomadic handcrafts reflect what are the visual features, and where is the place of nature and its beauty in terms of design, color and composition in the creation of subjective motifs in the tribal pockets of the Bakhtiari region, and how are the motifs of the pods from The nature of the region has been affected or abstracted and abstracted. The research data were collected using a field, interview and library methodology to discover and extract what is considered by the nomadic weaver according to the ethnic background and the nature of its life environment, and then recorded and categorized. In another glance, the proper and unconsciousness of the correct relationships of visual elements in the beautiful composition of the embroidered designs of the tribes of the Bakhtiari region has demonstrated the creativity of the knights of the region with an emphasis on the look of nature. As a result of this research, the achievement of a complete range of types of plant, animal, geometric and visual designs has been achieved taking into account the widespread dimensions of the culture and lifestyle of the Bakhtiari tribal elders. Also, the percentage and rate of use of tribal knitters in the region from native and traditional fibers were obtained from factory fibers. Concerning the use of Bakhtiari tribal weavers from traditional and herbal colors compared to chemical paints, this research has yielded significant results Has brought along.

Keywords: bakhtiari,khorjin,carpet,hanmade carpet

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

مقدمه

هویت ایرانی مربوط به یک فرش، یک دست‌بافته، یک نقش و یا یک طرح در بهره‌مندی از همه‌ی ویژگی‌هایی است که در گذر هزاران سال چنان به هم پیوند خورده و متحول شده‌اند که به مجرد دیدن آن به دریافت هویت ایرانی آن پی می‌برند و در هر جای جهان باشد به نام ایران شناخته می‌شود (آیت‌الهی، ۱۳۸۵: ۸).

نقوش فرش‌های به‌جای مانده از گذشتگان پیام‌آور فرهنگ و تمدن گذشته‌ی هر منطقه‌ای است (مرتضوی، فلاح، ۱۳۸۸: ۷۶). ریشه و خاستگاه نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری از جمله نقوش خورجین‌ها به پیشینه‌ی فرهنگی، طبیعتی که زندگی آن‌ها را احاطه داشته، تخیلات و ذهنیات آن‌ها وابسته است. محققین و خبرگان فرش اعتقاد دارند که اصالت طرح و نقش دست‌بافته‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری، مبتنی بر اعتقادات و باورهای قومی و طبیعت منطقه بوده است. گرچه به نظر می‌رسد بافنده‌ی عشایری از پیشینه‌ی آن‌چه می‌آفریند اطلاع چندانی در دست نداشته، اما پیشینه‌ی ذهنی و تصویری او از آن‌چه در ایل و منطقه وجود داشته، که دیده و شنیده است، ساخته و پرداخته شده و نهایتاً با درآمیختن برداشت‌های زیبایی که متأثر از طبیعت اطرافش بوده، توانسته خالق دست‌بافته‌ای زیبا که حاوی فرهنگ و طبیعت منطقه است؛ باشد. از آن‌جا که دست‌بافته‌های عشایری و روستایی غنی‌ترین منبع تصویری با تمامی مشخصه‌های قومی، بومی و محیطی هستند؛ کشف هویت ملی عشایر را باید در سنت‌های قومی، آیین‌های بومی و شرایط محیط زندگی آن‌ها که به نوعی در دست‌بافته‌های‌شان ثبت است، دانست. به همین دلیل تحقیق بر روی نقوش دست‌بافته‌های عشایری یکی از بهترین مسیرها برای شناخت هویت ملی عشایر منطقه است. هنرمند فرش‌باف ایرانی برای نقش‌های خود دلیل دارد و معنایی در پس نقش‌هایش نهفته است (توماج‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲).

رنگ‌های شادی‌آفرین و معنادار همانند آن‌چه در طبیعت وجود دارد، در دست‌بافته‌های عشایر بختیاری حضوری چشمگیر دارند. گواه این بیان رنگ‌هایی است که در متن و نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایر منطقه (به‌خصوص در دست‌بافته‌های طایفه‌ی اولاد حاج علی و ایل یلمه، که نمونه‌های بارزی از تولیدات آن منطقه را در بر می‌گیرند) به وفور دیده می‌شود. فضای وسیع طبیعت از طلوع تا غروب خورشید و حتی فضای آسمان پر ستاره شب هنگام، تمام حواس بافنده‌ی عشایری را طوری احاطه کرده که به دلیل در اختیار داشتن وسعت فضا و گوناگونی رنگ‌های موجود در کوه و دشت و آسمان؛ بافنده‌ی عشایری توانسته با خلاقیت خود شاهکار بیافریند. از آن‌جا که هر بافنده‌ای می‌تواند برداشت‌های متفاوتی از طبیعت داشته باشد، در مقایسه‌ی دست‌بافته‌های عشایر مناطق مختلف سرزمین ایران، متوجه خواهیم شد که بختیاری‌ها در چیدمان برداشت‌های خود از طبیعت، در شکل‌گیری نقوش ذهنی فرش و دیگر دست‌بافته‌های خود؛ تفکیک نقش و تنوع رنگی بیشتری داشته‌اند که در متن‌های خلوت‌تری نیز اجرا کرده‌اند. از نقطه‌نظر تاریخی بین منطقه‌ی جوشقان و بختیاری در اواخر دوران صفویه‌ی یک ارتباط تأثیرگذار در طرح قالی خشتی بختیاری و در طرح قالی حوضی بختیاری به وجود می‌آید که در بعضی دست‌بافته‌های امروز روستایی و عشایری بختیاری‌ها نیز مشاهده می‌شود. طرح قالی عشایر دیگر مناطق هم‌جوار بختیاری از جمله فارس تا کهگیلویه و بویراحمد به دلیل شباهت‌های محیطی و مشترکات قومی و فرهنگی نیز بر دست‌بافته‌های یکدیگر اثرگذار بوده است.

سؤال اصلی مقاله بدین قرار است که نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایری بازتاب چه ویژگی‌های تجسمی است و جایگاه طبیعت و زیبایی‌های آن از حیث طرح و رنگ و ترکیب‌بندی در خلق نقوش ذهنی خورجین‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری کجاست و چگونه نقوش ذهنی خورجین‌ها از طبیعت منطقه تأثیر گرفته و یا تجرید و انتزاع یافته‌اند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش میدانی، مصاحبه و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و با روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند تا بتوانند آن‌چه از ذهن بافنده‌ی عشایری با توجه به پیشینه‌ی قومی و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

طبیعت محیط زندگی خود نقش بر خورجین شده است کشف و استخراج شود و سپس ثبت و دسته‌بندی شوند. با نگاهی دیگر وجود به‌جا و ناخودآگاه روابط صحیح عناصر تجسمی در ترکیب‌بندی‌های زیبای نقوش خورجین‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری، خلاقیت بافندگان عشایر منطقه را با تأکید نگاه به طبیعت؛ به نمایش گذاشته است.

• منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری و عشایر آن

یکی از مهم‌ترین و اصیل‌ترین مناطق فرش‌بافی در ایران منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری است که دارای تمدنی کهن است. چهارمحال و بختیاری با مساحت ۱۶۴۱۱ کیلومتر مربع در مرکز رشته کوه‌های زاگرس قرار دارد و از شمال و مشرق به استان اصفهان، از مغرب به استان خوزستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمد، از شمال غرب به استان لرستان محدود است. چهارمحال و بختیاری تا قبل از سال ۱۳۳۲ جزو استان اصفهان محسوب می‌شده است.

در حال حاضر چهارمحال و بختیاری استانی مستقل است و دارای ۹ شهرستان (شهرکرد، بروجن، سامان، لردگان، اردل، فارسان، کیار، بن و کوهرنگ)، ۲۵ بخش، ۵۰ دهستان و ۸۲۰ روستا است. ۷۶ درصد استان چهارمحال و بختیاری را کوه‌ها و تپه‌ها و ۲۴ درصد آن را دشت‌ها و فلات‌ها تشکیل داده است (آرشیو روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرکرد، ۱۳۹۴). بخش‌های لار، کیار، میزدج، شوراب، بازفت، تنگزی، بیرگان و دوآب در منطقه‌ی فعلی شهرکرد و بخش‌های گندمان، لردگان، سه دهستان (جانکی، فلارد، خانه میرزا)، اردل (پشت‌کوه، میان‌کوه، دیناران) در منطقه‌ی فعلی بروجن از مهم‌ترین مناطق عشایری بختیاری‌ها است (نیکزاد امیرحسینی، **۱۳۵۴: ۳۵۳**). محل استقرارکوچ عشایر هفت لنگ بختیاری در چهارمحال: پشتکوه، دیناروون، میانکوه، چغاخور، گندمان، شلمزار، جونقان، بن، فارسان، بازفت، بیرگان، تنگ گزی، دوآب، شورآب، خان میرزا، فلارد و لردگان است (خسروی، ۳۲:۱۳۷۲). مردمان قبایل لر و بختیاری بین مناطق ییلاقی (سردسیر) در تابستان و مناطق قشلاقی (گرمسیر) در زمستان رفت و آمد می‌کنند. این مسیرها نواحی چهارمحال و فریدن (مشرف است به دشت‌های اصفهان) را از یک طرف و دامنه‌های شمال شرقی دزفول و رودخانه دز را از طرف دیگر در بر می‌گیرد (تناولی، ۲۶۰:۱۳۷۰). شیوه‌ی تهیه‌ی آذوقه و خوراک عشایر و دام‌های آن‌ها در هر دو مکان چادر و خانه‌ی عشایری یکی است و هیچ تغییری در آن دو صورت نگرفته است. هنوز آنان خودکفا زندگی می‌کنند و به زرق و برق زندگی شهری نیازی ندارند. این نوع شیوه‌ی زندگی با توجه به شرایط محیطی منطقه جزو فرهنگ عشایری است که نان را خود می پزند، گرما و سوخت آنان هنوز چوب است (مگر بر حسب اتفاق خانه‌ی آنان بر سر راه لوله‌های گاز قرار گرفته باشد)، از دام‌های خود تمامی نیازهای خوراکی روزمره‌شان از لبنیات تا گوشت تهیه می‌شود و الیاف دست‌بافته‌های خود را نیز از پشم دام‌های خود به‌دست می‌آورند. بزرگترین ارزش این فرهنگ در محیط زندگی عشایری، بی‌نیازی آن‌ها به ظواهر زندگی امروزی است. البته نیازهای اساسی بهداشت و پزشک و تحصیل عشایر را نباید فراموش کرد، که دولت‌ها وظیفه‌ی تأمین آن را برای عشایر سرزمین کهن ایران باید به عهده داشته باشند.

• خورجین‌های عشایر بختیاری

خورجین در لغت‌نامه‌ی دهخدا به بارجامه و باردان معنی شده است (دهخدا،۱۰۰۷۲:۱۳۷۷) و خرجین، دوخور، خور دو کیسه، دوخرج، خرجان از دیگر اسامی آن است. خورجین دست‌بافته‌ای عشایری و روستایی است که دارای دو محفظه (جیب) است، خورجین دارای دو جیب یا دو خور به هم بافته شده‌ای است که کوچک‌ترین یک جیب آن چنته و بزرگ‌ترین یک جیب آن جوال نام دارد. خورجین کاربرد فراوان در بین عشایر داشته و اکنون کاربرد کم‌تری دارد، از جمله برای حمل اسباب و خوراک روزانه در سفرهای عشایری مورد استفاده قرار می‌گرفته است که برکول و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

گرده‌ی اسب و قاطر و الاغ گذاشته می‌شد و به ضرورت از آن برای حمل و جابه‌جایی نوزادان، کودکان، بزغاله‌های تازه به دنیا آمده نیز استفاده می‌شده است. اما با نگاهی متفاوت به موضوع پژوهش، هنر خلق نقوش زیبا با رنگ‌های اعجازانگیز و دارای مفاهیم ارزشمند بر روی این‌گونه دست‌بافته ها قابل توجه است نه کاربردشان، تا جایی که می‌توان اظهار نمود دست‌بافته‌هایی از این دست باید به موزه‌ها راه پیدا کنند.

چهارمحالی‌ها و بختیاری‌ها هر دو خورجین‌بافی و فرش‌بافی دارند. خورجین‌بافی از صنایع دستی با شکوه و ارزشمند بختیاری‌ها است، که از اسباب و وسایل عمده‌ی زندگی کوچ‌نشینی محسوب می‌شود (آهنجیده،۲۲۶:۱۳۸۴). اساس و اصالت نقوش خورجین‌های منطقه‌ی بختیاری و منطقه‌ی چهارمحال، در هر دو منطقه یکی است امّا تنوع نقوش در دو منطقه بسیار است. محل بافت بهترین خورجین‌های بختیاری سرخون و بازفت است و خورجین‌هایی که در بازفت بافته می‌شوند، بسیار با ارزش و قیمتی هستند و باوری نام دارند. زنان ایل موری در منطقه‌ی بازفت اغلب از این نوع خورجین‌ها می‌بافند (سینایی، ۱۲۹:۱۳۷۳).

• مشخصات خورجین‌های عشایر بختیاری

در منطقه‌ی بختیاری خورجین در ابعاد مختلف با رنگ‌های متنوع و نقوش زیبا از پشم مرغوب بافته می‌شده است و به دلیل کاربرد چند منظوره‌ای که بین عشایر و روستاییان داشته، در اندازه‌های متفاوت و طرح‌های گوناگون بافته می‌شده و امروزه کم‌تر از گذشته تولید و استفاده می‌شود. خورجین‌های عشایر بختیاری از جنس پشم و موی بز تهیه و بافته می‌شود و در اشکال مستطیل، که به دو مربع یا دو مستطیل کوچک‌تر (دو جیب) تقسیم شده‌اند ساختار کلی آن‌ها شکل می‌گیرد. خورجین‌ها بسته به نوع استفاده و کاربرد به سه اندازه‌ی بزرگ و متوسط و کوچک تقسیم می‌شوند. مواد خورجین‌ها شامل رویه پشم دستریس، چله‌ها پشم، پودها پشم (در اصطلاح محلی پشم اندر پشم)و رنگ‌ها گیاهی و شیرازه‌های اطراف خورجین از موی سیاه بز است. حاشیه‌ها و لبه‌ها معمولاً رنگ سیاه دارند، رنگ‌های قرمز و سرمه‌ای در خورجین‌ها همیشه جزو رنگ‌های مسلط متن خورجین‌ها هستند. رنگ پود در خورجین‌های عشایر بختیاری، سیاه و سرمه‌ای و قرمز است. ساده‌بافی در پشت خورجین معمولاً با نقش محرماتی، پرزبافی در قسمت زیرین لبه پایین خورجین و قسمت رویه اصلی خورجین (قسمت پرزدار که فرش گره‌دار است به خاطر امکان ایجاد نقوش بهتر و دقیق‌تر است)، رندی‌بافی نیز در قسمت رویه‌ی اصلی خورجین انجام می‌گیرد.

• ابعاد خورجین‌های عشایری و روستایی

خورجین‌های عشایری و روستایی در سه اندازه به شرح زیر بافته و تهیه می‌شوند: ابعاد خورجین‌های بزرگ عشایر بختیاری معمولاً ۱۰۰×۱۵۰ سانتی‌متر است که در طول به دو جیب ۶۰ سانتی‌متری در دو طرف خورجین به صورت قرینه و یک قسمت ۳۰ سانتی‌متری در وسط خورجین (محل قرار گرفتن روی بدن حیوان) تقسیم شده است. کاربری این نوع خورجین‌های بزرگ عشایری که برای حمل بار و جابه‌جایی اسباب و آذوقه و...است از اهمیّت خاصی نیز در بین عشایر برخوردار است و بر گرده‌ی هر حیوانی از ایل یک خورجین از این نوع انداخته می‌شود. این خورجین‌ها با یک ترکیب متفاوت بین دو محفظه‌ی قرینه (دو جیب بزرگ) مستطیل شکل بزرگ (پهنای خورجین در این‌جا حکم طول دو محفظه را به موازی درب دو جیب خورجین پیدا کرده است؛ یعنی وقتی خورجین روی حیوان انداخته می‌شود درب خورجین که در این‌جا طول محفظه‌ها (جیب‌ها)محسوب شده، به موازی بدن حیوان قرار گرفته است) تهیه می‌شوند. اصیل‌ترین خورجین‌های بختیاری این نوع خورجین‌ها هستند

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

که با ترکیبی از چند نوع بافت (قالی‌بافی پرزدار،گلیم‌باف ساده،گلیم پیچ‌باف یا رندی یا سوزنی) تهیه می‌شوند (کبیری، ۱۳۸۸). کبیری از قول آهنجیده می‌گوید؛ بافت رویه‌ی این خورجین‌ها قالی‌باف،گلیم‌باف ساده و پیچ‌باف؛ و پشت آن جاجیم‌باف (گلیم‌باف حصیری ساده) است (آهنجیده،۱۳۸۴: ۲۲۷-۲۲۶).

ابعاد خورجین‌های متوسط معمولاً ۵۰×۱۲۰ سانتی‌متر است. که در طول به دو جیب ۵۰ سانتی‌متری در دو طرف خورجین به صورت قرینه و یک قسمت ۲۰ سانتی‌متری در وسط خورجین (محل قرار گرفتن روی گول حیوان) تقسیم شده است. کاربری این نوع خورجین‌های متوسط عشایری و روستایی برای حمل و جابه‌جایی اسباب و آذوقه روزانه‌ی مردان است. از زمانی که عشایر و روستایی‌ها به استفاده از دوچرخه و موتورسیکلت روی آوردند، این خورجین‌ها با همان کاربرد قبلی بر ترک دوچرخه و موتورسیکلت سوار شدند و امروزه هم بسیار مورد استفاده‌ی عشایر و به‌خصوص روستاییان است. ابعاد خورجین‌های کوچک متفاوت است و بین ۲۵×۶۰ سانتی‌متر یا کمتر بافته می‌شوند، که در طول به دو جیب ۲۵ سانتی‌متری در دو طرف خورجین به صورت قرینه و یک قسمت ۱۰ سانتی‌متری در وسط خورجین (محل قرار گرفتن روی دست) تقسیم شده است. کاربری این نوع خورجین‌های کوچک عشایری و روستایی بر اساس ابعاد متفاوت آن‌ها نیز متفاوت است. کوچک آن برای نگهداری زیورآلات و اشیاء قیمتی و وسایل آرایش زنان است و بزرگ‌تر آن برای نگهداری پول و مدارک مهمّ مردان است.

نقوش تصویری

۱-۱- خورجین عشایری بختیاری با نقش تصویری (تصویر ۱)



تصویر ۱- خورجین عشایری با نقش تصویری (نگارندگان)

نمایش پیکره‌ی انسان در دست‌بافته‌های بختیاری‌ها بسیار دیده شده و قابل تأمل است. این‌گونه خورجین‌ها با نقش تصویری که دارند، جزو ذهنی‌بافی‌ها و بداهه‌بافی‌ها محسوب می‌شوند و در واقع بافنده، با توجه به داستان‌ها و اتفاقات روزمره و سفرها و گفتمان‌های بین جمعیت طایفه‌ای خود؛ به تجسم آن نقش در ذهن خود دست یافته است. تصویر متعلق به یک خورجین تصویری عشایری است که با دو شیوه‌ی بافت، رویه شیوه‌ی فرش‌بافی پرزدار و زیره‌ی آن شیوه‌ی گلیم بافت ساده و شیرازه‌پیچی موی بز بافته شده است. نقش مرکزی بر زمینه‌ی لاکی خورجین اصطلاحاً نقش گنبدی یا مسجدی است و در پایین دسته‌های نقش، پنجه‌ی دو دست قرینه را مشاهده می‌کنیم؛ که حضور این نقش پنجه‌ی دست، نشانه‌ای از اعتقادات مذهبی و تصّورات ذهنی بافنده است.

بر اساس تحقیقات میدانی و طبق گفته‌ی بافندگان و خبرگان محلی دریافتیم که استفاده از این‌گونه نقش‌ها و

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

موتیف‌ها بر روی خورجین‌ها و دیگر دست‌بافته‌های عشایری و روستایی کارکردی اعتقادی داشته است. باور و اعتقاد بافنده‌ی عشایری به حضور این‌گونه خورجین‌ها در چادر یا اتاقش بدین منظور است که بافنده‌ی عشایری و دیگرِ مردم منطقه‌ی بختیاری، به عنوان مثال نان را به نشانه‌ی برکت داخل جیب‌های خورجین می‌گذاشته‌اند. معمولاً این‌گونه خورجین‌ها به خاطر باور و اعتقادات عشایر، بافته و نگه داشته می‌شده‌اند و برای هدیه و وقف و فروش نبوده‌اند. از دیدگاه تجسمی می‌توان گفت در این خورجین، تصویری شبیه صورت انسان داخل قاب اصلی و در متن لاکی روشن و شفاف که به خوبی ساده شده نشان داده شده است. این صورت زیبا دارای چهار چشم و دهان و پیشانی است که تصور بافنده از وجود یک زیبایی خاص همانند صورت یک عروس را بیان می‌نماید. از طرفی این تصویر که صورت تمام رخی است در دل یک مقبره (دارای دو مناره و یک گنبد)، بنا به گفته بافنده‌ی خبره محلّی به دلیل نزدیکی و ارتباط باطنی بافنده به آن مقبره (مقبره‌ی شخص بزرگی)، این نقش بافته شده است؛ که از تصّورات ذهنی بافنده از آن مکان بوده و به شیوه‌ای ذهنی و به کلامی انتزاعی خلق شده است.

از دیدگاهی دیگر این تصویر به شکلی برداشت تصّورات عامیانه از خورشید خانمی است که اشعاری در وصف آن نیز در بین کودکان محلّی در زمستان‌های برفی به پاس برکات خورشید خوانده می‌شده است. شباهت خورشید خانم بودن این تصویر به همراه منگوله های رنگارنگ اطراف خورجین، نیز ذهنیت زیبای دختر بافنده عشایری را نشان می‌دهد. رنگ نارنجی روشن بالای پیشانی تصویر نشان نور و اهمیّت آن در بالای سر تصویر است. این رنگ تاج صورت، به‌عنوان نقطه‌ی عطف تصویر و نورانی ترین قسمت تصویر، انتخابی آگاهانه توسط بافنده بوده است. بافنده با آگاهی، رنگ قرمز شفاف متن و رنگ نارنجی صورت نقش دست‌بافته را نیز چنین انتخاب کرده که نشانی از درخشش و گرمای فراوان که همان خورشید است؛ را دارد. در مجموع فضای کلی خورجین از یک هارمونی گرم و تند که از مشخصه‌های بختیاری‌ها است با قدرت شکل خورجین را منحصر به فرد کرده است. عده‌ای می‌گویند این‌گونه دست‌بافته‌ها با نیت بافنده برای نذر مکان‌های مقدس مذهبی بافته شده و به همان مکان‌ها نیز اهدا شده است، در بسیاری از مکان‌های مذهبی بختیاری چنین هدایایی دیده شده و موجود است. حاشیه‌ی این خورجین با تکرار یک گل هشت پر ساده شده زیبا و رنگی نزدیک به طلایی و قرمز به خورجین ارزشی دوچندان داده است. نقطه‌های سیاه اطراف گل‌های حاشیه با ریتم منظمی که دارند همانند تذهیب و تشعیر در هنر نگارگری؛ اهمیت نقش متن دست‌بافته را آشکارتر کرده‌اند.

● نقوش حیوانی

۱-۲- خورجین سوزنی عشایری بختیاری با نقوش حیوانی (تصویر ۲)



تصویر ۲- خورجین سوزنی با نقوش گیاهی و حیوانی (نگارندگان)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

نقوش حیوانی یا جانوری مانند نقش بز و قوچ و شیر و مار و ... در اکثر دست‌بافته‌های عشایری بختیاری‌ها استفاده شده که جزو با ارزش‌ترین دست‌بافته‌های آنان محسوب می‌شود. از معروف‌ترین طوایف خورجین پیچ‌بافی (شبیه سوزنی) بختیاری‌ها، دو طایفه‌ی اولاد حاج علی و اورکی را می‌توان نام برد که بهترین خورجین‌های عشایر بختیاری را زنان طایفه اولاد حاج علی درمنطقه‌ی سرخون اردل می‌بافند، که شالو اولاد به خورجین‌بافی اعلا معروف است.

این خورجین (تصویر ۲) یکی از استثنایی‌ترین خورجین‌های بافت اولاد حاج علی بختیاری است که از سه نوع شیوه‌ی بافت خاص منطقه برخوردار بوده و از بهترین الیاف پشم بومی و دست‌ریس با رنگ‌های گیاهی برای بافت آن استفاده شده است. تکنیک بافت رویه این‌گونه خورجین‌ها، سوماخ (سوزنی) است و قسمت‌های تا شده ی‌لبه‌های پایینی خورجین، با تکنیک فرش‌بافی پرزدار بلند بافته شده است «بلندی پرز به خاطر تماس خورجین با زمین به هنگام بارکشی حیوان است» و بافت پشت آن، گلیم بافت ساده «که قسمتی از آن به صورت یک مربع جدا شده با بافتی متفاوت حکم رقم و امضاء بافنده را دارد» است. نقش لاکی وسط خورجین که گردونه‌ی خورشید است در زمینه‌ی آبی تیره در کادر مستطیل شکل ترکیب محکمی را به وجود آورده است که نقطه‌ی عطف تصویر نیز است. کنتراست رنگی لاکی و سرمه‌ای تصویر به حدّی است که بیننده را در اولین نگاه جذب می‌کند. رنگ سفید حاشیه‌ی پهن این تصویر، وسعت و حاکمیت خود را نسبت به رنگ‌های دیگر با تکرار دو نوار سفید در لبه‌های تصویر نشان داده است. رنگ قهوه‌ای هشت ضلعی وسط تصویر نیز در میان سرمه‌ای متن اهمیّت نقش مرکزی را به خوبی بیان نموده است. حاشیه‌ی زیبای خورجین با زمینه‌ی سفید، حیوانات بسیاری را روبروی هم در جهت طولی و پشت به پشت هم در جهت عرضی با مهارت در خود جای داده است که با حرکتی زیبا دور تا دور مستطیل مرکزی می‌چرخند. این چرخش به‌جا و دارای ریتمف ترکیب‌بندی تصویر را کامل‌تر کرده و توجه بیننده را نیز به مجموعه‌ی تصویر جلب می‌نماید. شیرازه پیچی دو طرف (دو جیب) خورجین که با استفاده از موی مشکی بز پیچیده شده است علاوه بر استحکام بخشی به خورجین، همانند کادری محکم انسجام تصویر را کامل کرده است. نقطه‌های پراکنده‌ی سفید در مستطیل مرکزی و کادر مشکی محیطی تصویر نیز شادابی تصویر را دوچندان کرده است. همچنین حیوانات داخل حاشیه‌ی سفید خورجین که به صورت دوتایی دور تا دور متن اصلی دو جیب خورجین را احاطه کرده‌اند گویا قصد محافظت از درون جیب‌های خورجین و چادر محل زندگی بافنده را دارند. این بیان که محتوای معناشناسی دارد نقل قولی است از خود بافندگان محلی، که چنین خورجینی را در چادرهایشان به منظور حفاظت و نگهداری آویزان می‌کنند.

۲-۲- خورجین سوزنی اولادی با نقوش حیوانی لاک‌پشت و بز (تصویر ۳)



تصویر ۳- خورجین سوزنی با نقوش حیوانی لاک‌پشت و بز، بافت طایفه لر اولاد حاج علی (نگارندگان)

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

در این تصویر موتیف‌های ریز به همراه یک موتیف درشت (چلیپا مانند) مرکزی با رنگ‌های سفید و قهوه‌ای و زرد بر زمینه‌ی سیاه در درون یک کادر مستطیل دندانه‌دار یک ترکیب منحصر به فرد را به وجود آورده است. این خورجین متعلق به طایفه‌ی اولاد حاج علی از لرهای بختیاری است که بافتی متفاوت (مجموعه‌ای از چند تکنیک) دارد و منحصر به همین طایفه است، رنگ‌های محدود و تیره اعمّ از قهوه‌ای‌ها، بنفش، سرمه‌ای، مشکی در مقابل سفید در این خورجین از مشخصات بارز خورجین‌های این طایفه است. دو لبه‌ی درب خورجین‌ها دارای شیارهایی است که به تعداد آن شیارها، قلاب‌هایی پشمی بر روی بدنه‌ی وسط خورجین درست مقابل شیارها بافته شده، که با بندی پشمی متناسب با طول دو درب خورجین؛ بسته و قفل می‌شود (کبیری،۱۳۸۰:۸۱). نقش وسط خورجین علامتی شبیه لاک‌پشت است که نشان طول عمر زیاد و زایش و باروری است، بعضی‌ها این نقش را حالتی از شکل گاو می‌دانند. نقش حاشیه‌ی سفید اطراف خورجین سر بز است که تکرار شده و به کلّه مرغی معروف شده است و نشان باران‌خواهی نیز است. به برداشتی دیگر با توجه به پرسش‌های میدانی، حاشیه‌ی طولی بالا و پایین تصویر خورجین که حرکت و تکرار پیوسته‌ی پیکر و سر بزان را نشان می‌دهد. این نقش اهمیت و علاقه‌ی صاحبان دام و زندگی دامداری در بین عشایر را بازگو می‌نماید. قشقایی‌ها نقش لاک‌پشت را بر روی تکلی می‌بافند و هنگام عروس کشیدن، روی زین اسب می‌گذارند. این نوع استفاده از نقش لاک‌پشت برای باروری و آرزوی طول عمر زیاد است.

در این تصویر با توجه به اصول مبانی تجسمی، موتیف‌های ریز به همراه یک موتیف درشت (چلیپا مانند) با رنگ‌های سفید و قهوه‌ای و زرد بر زمینه‌ی سیاه در درون یک کادر مستطیل دندانه‌دار یک ترکیب چشم‌نواز و منحصر به فرد را به وجود آورده‌اند. رنگ نارنجی متمایل به قهوه‌ای و رنگ سفید در کلّ تصویر چنان توزیع شده که هماهنگی لازم را در تصویر ایجاد کرده و باعث تمرکز و نگاه بیننده به کلّ تصویر شده است. نقش بزرگ گیاهی که در مرکز تصویر قرار گرفته، شبیه نقش گردونه‌ی خورشید است که بر گرفته از خورشید و گردونه‌ی خورشید ایرانیان است. این نقش شبیه گل چندپر و گل شاه عباسی نیز است و با این نگاه برداشتی است از طبیعت به تخیل بافنده، که خالق نقش است. موتیف‌های مربع شکل و مثلثی شکل تصویر نمایشی از باغ کوچک و چادرهای عشایری است. گردونه‌ی خورشید یک نقش باستانی است و سابقه‌ی تاریخی تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد را دارد (گریشمن،۱۳۷۹: ۱۴).

• نقوش گیاهی

۱-۳- ساختار خورجین‌های لری بختیاری با نقش گیاهی (تصویر ۴)

خورجین‌های بزرگ عشایر بختیاری از دو مستطیل بزرگ بافته شده که در طول رو به روی هم قرار گرفته، و با دو درب باز رو به روی هم در وسط خورجین، تکمیل شده‌اند. نکته قابل توجه و متفاوت در ساختار این خورجین، که آن را از خورجین‌های دیگر متمایز می‌کند این است که، دو مستطیل (رویه خورجین) بر روی یک مربع بزرگ بافته شده‌ی دیگر (زیره خورجین)، به‌واسطه‌ی شیرازه‌ها به هم دوخته شده و ابهتی خاص به خورجین داده‌اند. اهمیّت و کاربرد خورجین در گذشته‌ی نه چندان دور با توجه به استفاده‌ی فراوانی که از آن در بین عشایر لر بختیاری معمول بوده و هنوز هم از آن استفاده می‌شود، باعث شده ساختار این‌گونه از خورجین‌های لری بختیاری با سه ویژگی منحصر به فرد به شرح زیر تهیه شوند.

الف – رویه‌ی سه قسمتی یا دو قسمتی پر نقش خورجین، پیچ‌باف فشرده است.

ب – انتهای دو قسمت لنگه‌های خورجین، فرش‌باف گره‌دار از پشم دست‌ریس است.

ج – سرتاسر پشت خورجین، گلیم ریزباف ساده با کم‌ترین نقش است.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]



تصویر ۴- خورجین لری بختیاری (نگارندگان)

درخورجین‌های لری و خورجین‌های لرهای بختیاری، طرفین پرزبافی شده‌ی خورجین بالاتر و وسط خورجین تو رفته‌ر است. پالت رنگ‌آمیزی دست‌بافته‌های کوچک (مانند خورجین و خور) لرهای بختیاری تیره‌تر و کدرتر از پالت رنگ‌آمیزی دست‌بافته‌های کوچک (مانند خورجین و خور) لرهای ورامین است (تناولی، ۱۳۸۰). سه نوع تکنیک یا شیوه‌ی بافت در دست‌بافته‌های عشایر بختیاری از جمله درخورجین‌های بختیاری وجود دارد:

۱- بافت ساده (گلیمی)، فرشی پرزدار (گندی)، سوزنی (رندی) و یا ترکیبی از آن‌ها.

۲- بافت گندی یا گرهای: نوع گره ترکی است که هر گره دو رشته تار را در بر گرفته و با رنجوک (چاقوی دسته کوتاه مخصوص چیدن گره‌ها)گره قالی کوتاه و بریده می‌شود.

۳- بافت رندی: در این روش نقوش از طریق یک پود گره خورده و سپس از بین تارها عبور می‌کند.

۲-۳- چنته‌ی کوچک عشایر بختیاری با نقوش گیاهی مشابه خورجین‌ها (تصویر ۵)



تصویر ۵- چنته‌ی کوچک عشایری بختیاری (چنته) با نقوش گیاهی (نگارندگان)

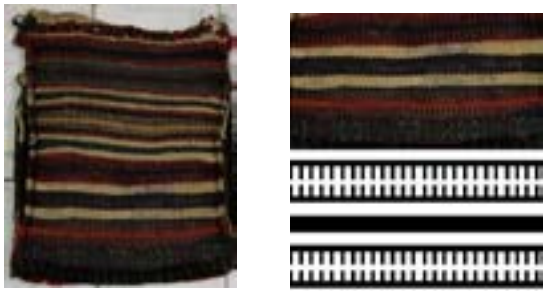
نقوش گیاهی اعم از انواع درخت و انواع گل و گیاه، به صورت ساده و استیلیزه شده در اکثر دست‌بافته‌های منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری به‌وفور به کار برده شده است. در این تصویر یک چنته‌ی کوچک عشایری با تک نقشی خاص است که از سه شیوه‌ی بافت در آن استفاده شده است. رویه‌ی فرش‌بافی گره‌دار و لبه‌ی جیب‌ها جاجیم‌باف و پشت چنته گلیم بافت ساده است. به دلیل نقش بی‌قاعده ولی زیبا در این چنته ، این چنته جزو بداهه‌بافی‌های پژوهش محسوب شده است. تنها یک درخت بزرگ با شاخ و برگ‌های گسترده و رنگ‌های نارنجی، سفید و لاکی؛ کل کادر تصویر را پر کرده است. زمینه‌ی سرمه‌ای و آبی متن تصویر در کنتراست با زرد و قرمز

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

درخت، گویا دشت و آسمان وسیعی را در شب نشان داده است. از تفکیک عناصر متن تصویر از پس زمینه‌ی رنگی تصویر، درختچه یا گل چند پر به نهایت ساده شده‌ای با چند موتیف مربع شکل (چلیپا مانند) شطرنجی به‌دست آمده که علاوه بر این‌که شاهد یک ترکیب‌بندی درست باشیم؛ طراحی یک لوگوی مفهومی را هم می‌بینیم که اگر آن موقع در دست گرافیستی انجام می‌گرفت ارزش و اعتبار پیدا می‌کرد. این مقایسه یکی از وجوه ارزش‌های بصری نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایری است.

نکته‌ی قابل توجه: فضای خالی سمت چپ تصویر با مهارت دید بافنده‌ی خلاق، با یک موتیف مربع شکل شطرنجی بسیار زیبا جبران شده است. حاشیه‌ی تصویر با گل و بوته‌های رنگی در نهایت ساده شده به صورت طراحی خطی سیاه، ترکیب تصویر را کامل کرده است.

پشت چنته (زیره‌ی چنته)، گلیم بافت ساده که با نقوشی ساده و راه راه و دندانه‌دار کلّ متن زیره را پوشانده است (تصویر ۱-۵)؛ رنگ‌های اصیل و موتیف‌های عشایری در زیره این چنته نیز هنرنمایی بافنده‌ی عشایری را نشان می‌دهد. ریتم موازی سطوح باریک و راه راه سیاه، سفید، قرمز و سرمه‌ای زیره‌ی چنته، خود ترکیبی است ساده اما کامل. دندانه‌یهای سطوح موازی و باریک پشت چنته، نشانه‌های آب و انشعابات جوی‌ها را نشان می‌دهد. ردیف آخر نقش رویه نزدیک لبه‌ی چنته دارای نقشی زیبا و بسیار ظریف است که به سادگی و مهارت، بافت گلیمی چنته را پایان داده است.



تصویر ۱-۵- پشت چنته‌ی کوچک عشایری بختیاری (نگارندگان)

نقوش هندسی

۱-۴- خورجین سوزنی متوسط اولادی با ساختاری ساده با نقش هندسی (تصویر ۶)



تصویر ۶- خورجین سوزنی متوسط اولادی با ساختاری ساده (نگارندگان) از مجموعه‌ی یوسف صمدی بهرامی

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

این خورجین با ترکیب و ساختاری ساده‌تر در شکل‌گیری و بافت آن نسبت به دیگر خورجین‌های بختیاری که ذکر آن‌ها رفت، بافته و تهیه شده است. در نقش رویه‌ی این خورجین که با دو ردیف نوارهای سفید (طره)، یک حاشیه‌ی زیبا و دارای حرکت دورانی، شش مربع پر نقش و یک اندازه را در خود جای داده است؛ که همان گردونه‌ی خورشید ایرانی را می‌بینیم. رنگ سفید مربع‌های متن حاکمیت و برتری خود را در تصویر بیان می‌کند. تکرار عناصر سفید رنگ در حاشیه نیز، ریتم و حرکت زیبایی را به تصویر کشیده است. شفافیت رنگ سفید در حاشیه و متن تصویر، چرخش چشم را در تمامی سطح تصویر هدایت می‌کند. دایره‌های سفید متن تصویر نیز به این حرکت کمک نموده‌اند. حرکت نقوش سفید حاشیه‌ها، برداشت و تصویری از جوی‌های آبی روان را دارد. ستاره‌های داخل دایره‌های متن تصویر نیز حرکت گردونه‌ی خورشید را نشان می‌دهند. رنگ قهوه‌ای تیره (لاکی) و رنگ آبی تیره (سرمه‌ای) و رنگ زرد خردلی که کل تصویر را پوشش داده‌اند از رنگ‌های خاص و مورد علاقه‌ی بافندگان عشایر بختیاری است که عدم استفاده در بافته‌های آنان انکارناپذیر است.

حرکت یکی از پدیده‌هایی است که در هنر همه ملت‌های جهان مورد توجه ویژه بوده است. زیرا حرکت است که نگاه بیننده را در کل اثر به گردش در می‌آورد و به درک بیشتر و بهتر اندیشه هنرمند نزدیک می‌کند (آیت‌الهی، احمدی: ۹۲). موتیف‌های مربع شکل و مثلثی شکل تصویر، نمایشی از عناصر و جزییات یک باغ کوچک را دارد، که معمولاً اطراف چادرهای عشایری بختیاری این‌گونه است. نقش بزرگ گیاهی که در مرکز تصویر قرار گرفته است احتمالاً بر گرفته از خورشید و گردونه‌ی خورشید ایرانیان است، این نقش شبیه گل چند پر و گل شاه عباسی نیز است. این برداشت از تصویر به تخیل بافنده خالق نقش، نزدیک‌تر است.

۲-۴- پشت یک خورجین بختیاری با نقش هندسی (تصویر ۷)



تصویر ۷- پشت خورجین سوزنی متوسط اولادی (نگارندگان)

این خورجین ریزباف نقشی راه راه و ریتمی زیبا را نشان می‌دهد. نکته‌ی قابل توجه در این خورجین، فشردگی بافت آن است که به تجربه‌ی شخصی وقتی داخل آن آب ریخته و پر شد، نشتی آب نداشت و همانند یک کوزه‌ی سفالی نم و رطوبت آب را به مرور پس می‌داد.

۳-۴- خورجین کوچک بداهه عشایری با نقش هندسی (تصویر ۸)

این خورجین به دلیل ابعاد کوچک آن مورد بهره‌برداری پژوهش قرار گرفته است و از استثنایی‌ترین خورجین‌های عشایری است. نقوش متن این خورجین تابع هیچ یک از تقسیم‌بندی چهارگانه‌ی پژوهش قرار نمی‌گیرد، اما

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

حاشیه‌ی آن نقشی هندسی دارد و حرکت ریتمیک عنصر حاشیه نیز به بهترین صورت ترکیب هر جیب یا هر لت خورجین را کامل کرده است. رنگ سفید حاشیه در مقابل رنگ سیاه یا سرمه‌ای متن، کنتراست متعادلی را به‌وجود آورده است که دو نقش سفید مارپیچی متن نیز ترکیب‌بندی تصویر را منسجم‌تر کرده و با نقوش آبی و زرد و قرمز متن سرمه‌ای که دارای همان حرکت مارپیچی هستند؛ یک ریتم حرکتی استثنایی را خلق کرده است.

تکنیک بافت رویه‌ی دو جیب و سطح میانی دو جیب این خورجین، گلیم بافت شبکه‌ای است (در بین سطوح بافته شده فضاهای خالی ایجاد شده که نور از آن‌ها عبور می‌کند)؛ که این نوع بافت خاص عشایر ایران است. تکنیک بافت خاص خورجین‌های بختیاری جفت قلاب است.



تصویر ۸- خورجین کوچک بداهه عشایری (نگارندگان)

۴-۴- خورجین لری بختیاری با رویه‌ی یک تکّه فرش‌بافی با نقش هندسی (تصویر ۹)



تصویر ۹- خورجین لری بختیاری با رویه یک تکه فرش‌بافی (نگارندگان)

جنس پشم و رنگ این خورجین آن‌چنان مرغوب و با کیفیت انتخاب شده است که تأثیر آن بر حرکت رنگ لاکی و رنگ آبی متن تصویر، موجب تشدید شفافیت رنگ و زنده بودن متن خورجین شده است؛ که در نوع خود بی‌نظیر و استثنائی است و هر چشمی را مجذوب خود می‌کند. رنگ سفید با تکرار دایره‌های ریز حاشیه‌ی کوچک (طره)، به شکل یک قاب مربعی هر لت (جیب) خورجین را در خود جای داده و باعث کم‌رنگ شدن حاشیه‌ی اصلی در خورجین شده است.

ترکیب‌بندی گرم یک لت خورجین عشایری، بسیار قاطع با سه رنگ سیاه و سرمه‌ای و قرمز، اتفاق بی‌نظیری را ثبت کرده است. حرکت خطوط مشکی لوزی‌های درون متن تصویر و موّاج و شفاف بودن رنگ لاکی (قرمز)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

تصویر، بیننده را به یاد آثار تجسمی هنرمند اروپایی وازارلی می‌اندازد. به‌هرحال او معروف است و این گمنام. این تصویر همانند آثار پوانتیلیسم‌ها به روش نقطه‌گذاری (سرپشم‌های رنگی) خلق شده است و در حکم یک اثر ارزش‌مند هنری باید به حساب آید.

۵-۴- خورجین عشایری بختیاری با نقوش هندسی (تصویر ۱۰)



تصویر ۱۰- خورجین با نقش هندسی، محل بافت: روستای باباحیدر (نگارندگان، از مجموعه‌ی یوسف صمدی بهرامی

نقوش هندسی یکی از رایج‌ترین و کهن‌ترین نقوشی هستند که از طبیعت گرفته شده و در فرش‌بافی و سایر دست‌بافته‌های منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری به شکل‌های مختلف هندسی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. نقوش این تصویر همه هندسی بوده و در کمال نظم و اصول هندسه بافته شده‌اند، تا حدی که به نظر می‌رسد بافنده از علم هندسه و قرینه‌سازی‌ها آگاهی داشته است. قدمت این خورجین حداقل یک‌صد سال است که با ده سال حدس و گمان تخمین زده شده است.

تکرار منظم عناصر هندسی چه در متن تصویر و چه در حاشیه‌های بزرگ و کوچک تصویر، ریتم و هارمونی بی‌نظیری را ایجاد کرده، که این نظم و هماهنگی یک ترکیب‌بندی متعادلی را با استفاده از قرینه‌سازی‌های نقوش به‌وجود آورده است. رنگ‌های سرمه‌ای و لاکی و بنفش و قهوه‌ای در بین رنگ سفید حاشیه‌ی بزرگ و حاشیه‌ی کوچک (طره) چنان جلوه‌ای به دست‌بافته داده که آن را به یک اثر هنری ارزشمند و زیبا تبدیل کرده و به نمایش گذاشته است. قاب‌های لوزی شکل در ردیف‌های سه تایی در متن اصلی سرمه‌ای مستطیل شکل تصویر خورجین، طوری قرار گرفته‌اند که به صورتی زیبا، قواعدی از تقسیم‌بندی‌ها در علم هندسه را به تصویر کشیده‌اند.

در بین حوض‌های لوزی شکل، نقش انتزاعی درخت کاج در همان ردیف‌های سه تایی، ترکیب تصویر را بر اساس قرینه‌سازی هندسی کامل کرده است. این سبک طرح و نقش در قالی جوشقان دوران صفویه نیز استفاده شده است، که به دلیل ارتباط حوزه‌های بافت دو منطقه‌ی بختیاری و جوشقان در آن دوران، این نقوش از یکدیگر تأثیر پذیرفته و در دست‌بافته‌هایشان به کار برده شده است. تکنیک بافت منحصر به فرد در این‌گونه دست‌بافته‌ها: از سه شیوه‌ی گلیم پیچ‌بافی(سوماخ)، گلیم‌باف ساده و فرش‌بافی پرز بلند استفاده شده است؛ که هر شیوه اگر چه مشخصات فنی و خاص خود را دارند امّا: چنان با هم هماهنگ شده‌اند که یک وحدت شکلی و رنگی را به وجود

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

آورده‌اند. از ویژگی‌های مهم و قابل توجه در ساختار این‌گونه خورجین‌ها، قسمت فرش‌بافی تاخورده‌ی گره‌دار پرز بلند آن‌ها است: که به دلیل تماس لبه‌ی قسمت پایینی خورجین با زمین (هنگام جابه‌جایی بار و یا هنگامی که خورجین روی حیوان انداخته می‌شود) این قسمت زودتر ساییده شده و از بین می‌رفته است، بنابراین پرز آن قسمت برای عمر بیشتر خورجین؛ بلندتر گرفته و بافته می‌شده است. تکنیک بافت قسمت فرش‌بافی پرز بلند (حالت پرز کپّه‌ی بختیاری)، تخت‌باف یک پود یا دو پود و چند پود است. به نقلی دیگر در مرز قسمت رویه و زیره‌ی این‌گونه خورجین‌ها نزدیک به لبه‌ی خارجی (پایین دو طرف خورجین) نکته‌ای قابل توجه است و آن سبک بافت قسمت فرش‌بافی پرزدار خورجین است که چون آن قسمت محل تماس خورجین با بدن حیوان است، به خاطر دوام و استحکام بیشتر و در نظر داشتن حفظ سلامت بدن حیوان؛ به بافت آن قسمت توجه بیشتری شده است.

تکنیک بافت قسمت رویه‌ی دو جیب خورجین یعنی همان قسمت پیچ‌بافی شده که پر کارتر، پر نقش‌تر، ریز بافت‌تر و نهایتاً زیباتر از بقیه‌ی قسمت‌های خورجین است؛ گلیم سوماخ است. دلیل این برتری بافت؛ قرار گرفتن رویه‌ی هر دو جیب خورجین در معرض دید عموم بوده که به نمایش گذاشتن زیبایی‌های خورجین برای صاحبان آن نیز اهمیّت ویژه‌ای داشته است. این مهم در فرهنگ عشایر بختیاری از ویژگی‌های خاص ایل و طایفه و تعلّقات شخص صاحب خورجین به ارزش زیبایی‌های کالایش محسوب می‌شود. نکته‌ی مهم‌تر و متفاوت این نوع از خورجین‌های عشایری بافت، یک قسمت از پشت و زیره خورجین است، که به گلیم چاک‌دار یا گلیم لادی معروف است و در زمینه‌ای سفید یا کرم رنگ، در کادری مربع شکل به صورت بافت برجسته بافته می‌شود و در واقع امضای بافنده و طایفه است؛ که از نظر تاریخ و ثبت وقایع در فرهنگ عشایر اهمیّت بسیاری باید داشته باشد.

نتیجه‌گیری

دست‌یابی به ارزش‌های بصری و زیبایی‌شناسی نقوش ذهنی دست‌بافته‌های عشایر منطقه‌ی بختیاری به خصوص نقوش خورجین‌ها و ثبت آن ارزش‌های بصری برای درک مفاهیم موجود در نقوش این‌گونه از دست‌بافته‌ها، از نتایج پژوهش است؛ که برای استفاده‌ی نسل علاقه‌مند امروز و آینده و در نهایت آگاهی بافندگان عشایری و روستایی به ارزش تولیدات خود و اقتصادی بهتر برای آنان مؤثر خواهد بود.

نقوش دست‌بافته‌های عشایر بختیاری همیشه ذهنی بوده است و به ندرت نقشی با استفاده از نقشه در دست‌بافته‌هایشان استفاده شده است و این حسن عدم استفاده از نقشه برای این گونه دست‌بافته‌ها یک برتری استثنائی نسبت به دیگر دست‌بافته‌ها را به وجود آورده است؛ این برتری همان ارزش‌های بصری و زیبایی‌های دست‌بافته‌های ذهنی بختیاری هستند، که در طول مطالعات میدانی پژوهش به دست آمده است و از یک پشتوانه‌ی اصیل قومی و بومی در بین بختیاری‌ها برخوردار بوده است. شناسایی این ارزش‌ها در این پژوهش با تفکیک نقوش از متن و تفکیک رنگ‌ها و بررسی عناصر دیگر، قوت پژوهش را دو چندان کرده است.

نکته‌ی قابل توجهی که در تحقیقات میدانی پژوهش به‌دست آمده و از اهمّیت فنی برخوردار است، برتری استفاده از رنگ‌های گیاهی و سنتی نسبت به رنگ‌های شیمیایی و کارخانه‌ای در دست‌بافته‌های بختیاری است. که قدمت دست‌بافته‌های کهنه‌ی عشایر بختیاری ثبات و عدم تغییرپذیری رنگ‌ها را در مقایسه با دست‌بافته‌های نو بافت امروزی نشان داده است.

محققین گفته‌اند عشایر بختیاری هنگام بافت اشعاری را با خود زمزمه می‌کنند که این آهنگ خواندن اشعار، وجود ارتباط تنگاتنگ ادبیات و هنر بافندگی را در بین عشایر بیان می‌نماید. در واقع ایلات و عشایر بختیاری در هنگام کوچ با مسائل متعددی روبرو هستند که سازگاری و مقابله با آن مسائل، بخشی از فرهنگ غنی آن‌ها را به وجود آورده است؛

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

این سازگاری به نوعی در دست‌بافته‌هایشان تأثیرگذار بوده است.

نقوش ذهنی موجود بر روی دست‌بافته‌ها پس از شناسایی در چهار گروه دسته‌بندی شده و سعی شده تا حدّی معانی مستتر و زیبایی‌های آن نقوش تبیین شود. این نقوش عبارتند از: نقوش هندسی، نقوش گیاهی، نقوش حیوانی، نقوش تصویری.

جدول ۱- نقوش ذهنی خورجین‌های عشایری منطقه‌ی بختیاری

انواع نقوش	عشایر و منطقه‌ی بافت	ابعاد دست‌بافته	تنالیته‌ی رنگی	هارمونی رنگی
نقوش تصویری 	عشایر بابا حیدر- عشایر منطقه‌ی بلداجی و امام قیس- عشایر لر منطقه‌ی اردل و ناغان- عشایر منطقه‌ی قهفرخ	۱۵۰د ر ۱۰۰ –۱۲۰در۵۰	سفید خودرنگ- نارنجی- سیاه- قهوه‌ای- زرد- سرمه‌ای- آبی	هارمونی سرد
نقوش حیوانی 	عشایر بابا حیدر- عشایر منطقه‌ی بلداجی و امام قیس و گندمان- عشایر لر منطقه‌ی اردل و ناغان	۱۵۰د ر ۱۰۰ – ۱۲۰در۵۰- ۶۰در۲۵	لاکی- سفید خودرنگ- نارنجی- زردخردلی- سرمه‌ای آبی- مشکی- قهوه‌ای شتری- زرد طلایی	هارمونی گرم
نقوش **گیاهی** 	عشایر بابا حیدر- عشایر منطقه‌ی بلداجی و امام قیس- عشایر لر منطقه‌ی اردل و ناغان	۱۵۰د ر ۱۰۰ – ۱۲۰در۵۰- ۶۰در۲۵	لاکی- سفید خودرنگ- نارنجی- زردخردلی- سرمه‌ای- سبز- آبی- کرم- بنفش	هارمونی سرد
نقوش هندسی 	عشایر اولاد حاج علی بختیاری- عشایر بابا حیدر- عشایر منطقه‌ی کیار و فارسان- عشایر منطقه‌ی گوهرنگ	۱۵۰د ر ۱۰۰ – ۱۲۰در۵۰- ۶۰در۲۵	لاکی- سفید خودرنگ- سفید شیری- کرم- نارنجی- زردخردلی- سرمه‌ای- سیاه- سبز- آبی	هارمونی گرم و هارمونی سرد

دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۸
پاییز و زمستان۱۳۹۹

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

در پایان آن‌چه مورد نظر بوده، شناخت منشأ نقوشی است که در ذهن بافنده وجود داشته و به هنگام بافت بر روی دست‌بافته‌ها به خصوص بر روی خورجین‌ها؛ نقش بسته و به شرح کلی ذیل تجسم یافته است. گروه اول نقوش تصویری انسانی است که قدرت و حاکمیت و شخصیت‌ها در ایجاد نقش‌ها تأثیرگذار بوده است . و گروه دوم نقوش حیوانی است که حضور عینی حیواناتی نظیر شیر، قوچ، بز، آهو، اسب، خرگوش، مار، پرنده و ... در محیط زندگی بافنده؛ بر نقوش دست‌بافته‌های آن‌ها تأثیرگذار بوده و سپس نقش‌آفرینی صورت گرفته است و گروه سوم نقوش گیاهی است که در تمامی دست‌بافته‌های بختیاری‌ها اعم از عشایری و روستایی و شهری با تنوعی بسیار مورد استفاده قرار گرفته است و بافنده با توجه به سمت و سوی محیط طبیعی زندگی خود ایجاد نقش نموده است و گروه چهارم نقوش هندسی است که در ترکیب با رنگها به نقوش تزئینی تبدیل شده‌اند و بافنده برای نقش‌آفرینی چنین نقوشی به اجبار تابع تکنیک بافت بوده و صد در صد تبعیت کرده است.

فهرست منابع

– آذرپاد، حسن و حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۷۲). *فرش‌نامه‌ی ایران*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
– آشوری، محمد تقی و علیمرادی، محمود. (۱۳۸۶). درخت در فرش بختیاری. *فصلنامه‌ی گلجام*، ۶ و۷.
– آهنجیده، اسفندیار. (۱۳۸۴). *تاریخ و تمدن چهارمحال و بختیاری*، شهرکرد: آهنجیده.
– احمدی، پروین، اصغر ایزدی جیران. (۱۳۹۰). پیشینه‌ی فرش‌بافی جوشقان قالی، *فصلنامه‌ی گلجام*، ۱۹.
– امیراحمدی، بهرام. (۱۳۶۹). صنایع دستی در ایل بختیاری، *فصلنامه‌ی عشایری*، ۱۰، بهار.
– ادواردز، سیسل. (۱۳۶۸). *قالی ایران* ، مهین دخت صبا (چاپ دوم)، تهران: فرهنگسرا.
– اشنبرنر، اریک. (۱۳۸۴). *قالی‌ها و قالیچه‌های شهری و روستایی ایران*، مهشید تولایی و حمیدرضا نصیری (چاپ دوم)، تهران: یساولی.
– افشار، ایرج. (۱۳۶۶). *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران*، تهران: بی‌نا.
– امان الهی بهاروند، اسکندر. (۱۳۶۰). *کوچ و کوچ‌نشینی در ایران*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
– اوژن بختیاری، ابوالفتح. (۱۳۴۶). *تاریخ بختیاری*، تهران: بی‌نا.
بصام، جلال الدین. (۱۳۸۵). *رؤیای بهشت– هنر قالی بافی ایران*، محمد حسین فرجو، تهران: سازمان اتکا.
– پرهام، سیروس. (۱۳۶۴). *دست‌بافت‌های روستایی وعشایری فارس* (جلد اول)، تهران: امیر کبیر.
– پرهام، سیروس. (۱۳۷۱). *دست‌بافت‌های روستایی وعشایری فارس* (جلد دوم)، تهران: امیر کبیر.
– تناولی، پرویز. (۱۳۵۴). *قالیچه‌های شیری فارس*، تهران: یساولی.
– تناولی، پرویز. (۱۳۷۰). *نان و نمک*، کتاب‌سرا.
– تناولی، پرویز. (۱۳۸۰). *دست‌بافت‌های روستایی وعشایری ورامین*، تهران: یساولی.
– تناولی، پرویز. (۱۳۶۹). *قالیچه‌های تصویری ایران*، تهران: سروش.
– تناولی، پرویز. (۱۳۷۷). *جل‌های عشایری و روستایی ایران*، تهران: یساولی.
– تناولی، پرویز. (۱۳۷۷). *تاچه‌های بختیاری*، تهران: یساولی.
– خسروی، عبدالعلی. (۱۳۷۲). *تاریخ و فرهنگ بختیاری*، اصفهان: نشر حجت.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه‌ی دهخدا*، پژوهشکده‌ی مردم‌شناسی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه.
- دی کار، ژان پیر. (۱۳۷۱). قوم کوچ نشین *بختیاری*، مشهد: آستان قدس.
- راولینسون، هنری. (۲۵۳۶). *سفرنامه‌ی هنری راولینسون به لرستان- خوزستان- بختیاری*، اسکندر امان الهی، خرم‌آباد: امیرکبیر.
- زارعی، محمدرضا. *فرش چهارمحال و بختیاری*، تهران: مرکز ملی فرش ایران.
- ژوله، تورج. (۱۳۸۱). پژوهشی در *فرش ایران*، تهران: چاپ اول، یساولی.
- سپهر، لسان‌السلطنه، (۱۳۴۸). *تاریخ بختیاری*، سرداراسعد بختیاری،مشهد: آستان قدس.
- سپهر، عبدالحسین. (۱۳۵۵). *تاریخ بختیاری*، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صفی‌نژاد، جواد. (۱۳۷۵). *عشایر مرکزی ایران*، تهران: امیرکبیر.
- طبیبی، حشمت‌الله، (۱۳۷۴). *مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- طهماسبی، ساسان. (۱۳۹۰). لردگان در مسیر تاریخ.
- کبیری، فرانک. (۱۳۸۸). خورجین و گونه‌های مختلف آن در استان چهارمحال و بختیاری، *فصلنامه‌ی گلجام*، ۱۴.
- کریمی، اصغر. (۱۳۶۸). *سفر به دیار بختیاری*، تهران: فرهنگسرا.
- گارثویت، جین راف. (۱۳۷۳). *تاریخ سیاسی، اجتماعی بختیاری*، مهراب امیری، سهند، تهران.
-- لایارد، روستن هنری. (۱۳۶۷). *سفرنامه‌ی لایارد*،تهران: وحید.
- مکبن روز، الیزابت، (۱۳۸۲). *با من به سرزمین بختیاری بیایید*، مهراب امیری، آنزان.
- نصیری، محمد جواد. (۱۳۸۹). *افسانه‌ی جاویدان فرش ایران* (چاپ اول)، فرهنگسرای میردشتی، تهران.
- نیکزاد امیرحسینی، کریم. (۱۳۵۴). *شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری*، اصفهان: ربانی.
- Beattie, May H (1976); carpets of central Persia, World of Islam Festival Pub, London.
- Edwards, A.Ceci (1975); Persian carpet:a survey of the carpet--weaving industry of Persia, Duckworth, London.
- Erdmann, Hanna (1970); Seven Hundred years of oriental carpets, Faber and Faber, London.
- Gantzhorn, Volkmar (1998); Oriental carpets: their iconology and iconography, from earliest times to the 18th century, Taschen, Koln.
- Ghaleh, Mohamed seyed (1969); Kleine geschichte uber die entstehung der perser teppiche
- Mebery, Reid (1982); Persian carpet design to color, Stemmer House: Owings Mills, Maryland.
- Milanesi, Enza (1999); Carpet: an illustrated guide to the rugs and kilims of the world, I. B. Tauris London.
- Munari, Cleto and others (2013); Art Carpets,
- Nemati, Parviz (2001); Spelendour of antique Rugs and Tapestries
- Sakhai, Essie (2008); Persian Rugs and Carpets the fabric of life, Woodbridge: Antique Collector's Club.
- Schlick, Donald P (1968); Modern oriental carpets, Continental Print, Hong Kong.
- Thompson, Jon (1993); Carpets from the tents,cattages and workshops of Asia
- Mondadori,arnoido (1993);the bullfinch guide to carpets;finch press book and little brown company (inc) Milan.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-02]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1399.16.38.1.4]